

این مستند به زندگی و نقش شهید حسن طهرانی مقدم در شکل‌گیری و توسعه صنعت موشکی ایران می‌پردازد. روایت اثر بر این محور است که پیشرفت موشکی امروز ایران حاصل دهه‌ها تلاش و مدیریت او و همکارانش بوده است. مستند علاوه بر مرور بخش‌هایی از زندگی شخصی و کاری او مسیر رشد توان دفاعی ایران را از دوران ابتدایی تا رسیدن به موشک‌های نقطه‌زن و دوربرد بررسی می‌کند. در بخش دیگری از مستند شبیه‌سازی‌هایی درباره حمله احتمالی اسرائیل به ایران نمایش داده می‌شود و در آن توان پاسخ‌دهی ایران و نقاط آسیب‌پذیر در سامانه‌های دفاعی اسرائیل تحلیل می‌شود. سامانه «گنبد آهنین» نیز از منظر کارایی در برابر حجم بالای حملات بررسی و میزان آسیب‌پذیری آن توضیح داده می‌شود. پیام اصلی مستند این است که بخش مهمی از بازدارندگی دفاعی کشور نتیجه برنامه‌ریزی و اقدامات فنی-مهندسی طهرانی مقدم و تیم او بوده و این زیرساخت‌ها در شکل‌دهی به توان دفاعی کنونی نقش تعیین‌کننده داشته‌اند.

دو. شخصیت محوری: شهید حسن طهرانی مقدم

حسن طهرانی مقدم یکی از چهره‌های برجسته حوزه صنایع دفاعی ایران و از بنیان‌گذاران برنامه موشکی کشور شناخته می‌شود. او از اوایل دهه ۱۳۶۰ وارد فعالیت‌های نظامی و مهندسی شد و خیلی زود مسئولیت طراحی و توسعه سامانه‌های موشکی کوتاه‌برد را برعهده گرفت. نقش او بیشتر در ایجاد ساختارهای صنعتی تربیت نیروهای متخصص و طراحی مسیر توسعه موشکی ایران معنا پیدا می‌کند. در دهه‌های بعد طهرانی مقدم به‌عنوان یکی از معماران اصلی گذار از موشک‌های ابتدایی به موشک‌های پیشرفته‌تر مطرح شد. او بر اهمیت تحقیق آزمایش‌های مستمر خوداتکایی صنعتی و تولید بومی فناوری تأکید می‌کرد. پروژه‌هایی همچون افزایش برد موشکی ارتقای دقت توسعه سوخت جامد و ایجاد زیرساخت‌های تست و پرتاب از مهم‌ترین حوزه‌های کاری او بودند. وجه بارز شخصیت کاری او مدیریت تیم‌های بزرگ مهندسی نگاه بلندمدت و پیگیری پروژه‌های پیچیده با وجود کمبود امکانات بود. بسیاری از همکارانش از او به‌عنوان فردی خلاق سخت‌کوش و پیگیر یاد کرده‌اند که ایده‌های بزرگی را دنبال می‌کرد و برای رسیدن به اهداف خود ساختارهای نو ایجاد می‌کرد.

طهرانی مقدم در سال ۱۳۹۰ در حادثه انفجار در یکی از مراکز تحقیقاتی جان باخت. تأثیر او بر شکل‌گیری صنعت موشکی کشور سبب

شد به‌عنوان «پدر علم موشکی ایران» شناخته شود و مستند نیز همین نقش محوریش را بررسی می‌کند.

آقای نخست وزیر

این مستند روایت ۲۸ ماه نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق و تلاش او برای ملی‌کردن صنعت نفت ایران است. اثری است که با نگاهی تاریخی وقایع منتهی به ملی شدن نفت رویارویی ایران با دولت بریتانیا فضای سیاسی-اجتماعی کشور در اوایل دهه ۳۰ و در نهایت ورود آمریکا به صحنه را بررسی می‌کند.

محور اصلی روایت نشان دادن تلاش مصدق و یارانش برای پایان دادن به سلطه شرکت نفت ایران و انگلیس بر منابع نفتی کشور است. مسیری دشوار که با مقاومت و فشار شدید قدرت‌های جهانی روبه‌رو شد. مستند توضیح می‌دهد که چگونه اقدامات مصدق در جهت استقلال اقتصادی کشور ایران را وارد بحرانی سیاسی کرد که سرانجام به تشدید اختلافات داخلی فشارهای خارجی تحریم‌ها و تنش‌های شدید دیپلماتیک انجامید. همچنین به نقش مطبوعات مجلس همراهان و مخالفان مصدق و وضعیت مردم در این دوران پرداخته می‌شود. پیام اصلی مستند این است که ملی شدن صنعت نفت یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران است و نقش مصدق در این روند شکل‌دهنده یکی از مهم‌ترین رویدادهای استقلال‌طلبانه کشور بوده است.

دو. شخصیت محوری: دکتر محمد مصدق

دکتر محمد مصدق یکی از برجسته‌ترین چهره‌های سیاسی قرن ۲۰ ایران است. سیاستمداری حقوق‌دان تحصیل‌کرده اروپا و مدافع استقلال اقتصادی و سیاسی کشور.

پیش از نخست‌وزیری او سابقه وزارت نمایندگی مجلس و استانداری داشت و در دوره‌های مختلف تلاش می‌کرد با امتیازدهی به بیگانگان مخالفت کند. محبوبیت او در میان مردم از آنجا ناشی می‌شد که در سخن و عمل بر حاکمیت ملی قانون‌گرایی و مقابله با نفوذ خارجی تأکید داشتدست‌آورد شاخص دوران سیاسی او هدایت جنبش ملی شدن صنعت نفت بود. مصدق باور داشت که وابستگی شدید اقتصادی به شرکت نفت ایران و انگلیس استقلال کشور را تهدید می‌کند. او از طریق مجلس جبهه ملی و حمایت گسترده مردمی توانست طرح ملی شدن نفت را به تصویب برساند. سپس به‌عنوان نخست‌وزیر اجرای آن را پی گرفت. اما اقداماتش باعث درگیری شدید با بریتانیا شد. تحریم نفتی فشار دیپلماتیک شکایت در دادگاه لاهه و بحران اقتصادی از پیامدهای این تقابل بودند. در داخل کشور نیز اختلافات با مجلس دربار و برخی گروه‌های سیاسی بالا گرفت. ورود آمریکا به بحران و تغییر رویکردش نقطه مهمی در تحولات بعدی بود. میراث مصدق بیش از هرچیز با مفهوم استقلال حاکمیت ملی و مبارزه با نفوذ قدرت‌های خارجی گره خورده است. مستند نیز بر همین نقش تاریخی تمرکز دارد

آسوده بخواب کوروش

این مستند به بررسی رابطه محمدرضا پهلوی آخرین شاه ایران با بحرین می‌پردازد و به طور خاص به چگونگی تصمیم او برای واگذاری این منطقه که پیش از آن بخشی از خاک ایران محسوب می‌شد می‌پردازد.

اثر بر خلاف مستندهای کلیشه‌ای به دنبال قضاوت ساده‌انگارانه درباره رژیم پهلوی نیست بلکه با تمرکز بر یک موضوع مشخص اطلاعات تاریخی و مستندات را ارائه می‌دهد.

مستند روند تاریخی ادعای ایران بر بحرین را از دوران قاجار تا پهلوی شرح می‌دهد. به نقش انگلستان در شکل‌گیری مناسبات قدرت در منطقه و قراردادهایی که با آل خلیفه بسته شد اشاره می‌شود. در نهایت تمرکز بر دوره محمدرضا پهلوی است و توضیح می‌دهد که چگونه او تحت فشارهای انگلستان و با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و حفظ موقعیت خود از ادعای حاکمیت بر بحرین دست کشید این واگذاری در سال ۱۹۷۱ میلادی و پیش از استقلال بحرین صورت گرفت. پیام اصلی مستند واکاوی در یکی از تصمیمات مهم تاریخی محمدرضا شاه است که منجر به جدایی قطعی بحرین از ایران شد و این تصمیم را در بستر روابط ایران با قدرت‌های جهانی و وضعیت داخلی کشور در آن دوران قرار می‌دهد.

دو. شخصیت محوری: محمدرضا پهلوی

محمدرضا پهلوی آخرین پادشاه ایران شخصیت محوری مستند «آسوده بخواب کوروش» است. او که از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ بر ایران حکومت کرد دوران پادشاهی‌اش با تحولات سیاسی اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای همراه بود.

او وارث تاج و تختی بود که توسط پدرش رضاشاه پایه‌گذاری شده بود. دوران حکومت او شاهد تغییرات مهمی در ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران از جمله اصلاحات ارضی و تلاش برای صنعتی شدن بود. در سیاست خارجی محمدرضا پهلوی روابط پیچیده‌ای با قدرت‌های جهانی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و بریتانیا داشت. او تلاش می‌کرد ضمن حفظ استقلال نسبی ایران از کمک‌های خارجی و اتحاد با غرب برای تقویت جایگاه منطقه‌ای و قدرت نظامی خود بهره ببرد. تصمیم او درباره واگذاری بحرین که در مستند به آن پرداخته شده یکی از نقاط بحث‌برانگیز دوران حکومت اوست. مستند نشان می‌دهد که این تصمیم چگونه تحت فشارهای بین‌المللی و ملاحظات سیاسی داخلی اتخاذ شد. او با در نظر گرفتن وضعیت سیاسی خود و مناسبات با بریتانیا از ادعای دیرینه ایران بر بحرین چشم‌پوشی کرد. این اقدام که در بستر پایان قیومیت بریتانیا بر بحرین و در آستانه استقلال آن صورت گرفت یکی از تصمیمات مهم او در حوزه سیاست خارجی بود که پیامدهای طولانی‌مدتی برای روابط ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس داشت. پس از انقلاب ۱۳۵۷ محمدرضا پهلوی ایران را ترک کرد و مدتی بعد درگذشت.